مقاله پژوهشی

بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های یادگیری و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال تحصیلی ۹۳-۹۲

فریبا خلیل‌زاده[۱]، علیرضا قلعه‌ای[۲*]

تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش ۱۳۹٤/۰۲/۱۵

چکیده

پیش‌زمینه و هدف: با توجه به نقش مهمی که سبک‌های یادگیری در جنبه‌های گوناگون تعلیمی دانشجویان دارد، این مقاله به بررسی رابطه سبک‌های یادگیری در موفقیت‌های به‌دست‌آمده دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در کنکور پرداخته است.

مواد و روش کار: روش تحقیق توصیفی همبستگی و روش گردآوری اطلاعات میدانی بود. جامعه آماری تحقیق، ۴۴۰ نفر بود که بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، تعداد حجم نمونه آماری ۲۰۶ نفر تعیین گردید. از پرسشنامه استاندارد کلب برای ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی، استنباطی و ضریب همبستگی پیرسان و رگرسیون استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که بین سبک‌های یادگیری و رتبه کنکور رابطه معناداری وجود داد (p=0/001) و تمامی سبک‌های یادگیری دارای رابطه مثبت و معنادار بر روی رتبه کنکور می‌باشند که ذر این بین بیشترین رابطه را سبک همگرا و کمترین رابطه را سبک یادگیری واگرا دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست‌آمده تمامی سبک‌های یادگیری دارای ارتباط مثبت و معنادار با رتبه کنکور هستند که دراین‌بین بیشترین رابطه را سبک همگرا و کمترین رابطه را سبک واگرا دارا می‌باشد. لذا دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را دارند، باید از ابتدا سبک یادگیری مناسبی انتخاب کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک یادگیری، دانشجویان علوم پزشکی، موفقیت در کنکور، نظریه کلب

مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره سیزدهم، شماره هفتم، پی‌درپی ۷۲، مهر ۱۳۹٤، ص ۵۷۱-۵٦۳

آدرس مکاتبه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، تلفن: ۰۹۱۴۳۴۷۹۵۶۸

Email: faribakhalilzade@gmail.com

مقدمه

فرآیند آموزش چنان بچیده است که شایستگی توجه بیشتر را داشته باشد، چراکه در غیر این صورت منجر به هدر رفتن نیروها و امکانات می‌شود. یکی از عوامل مهم در آموزش، یادگیری است (۱). یادگیری فرآیند مهم تطابق و سازش انسان است (۲) که در همه حال به‌طور یکسان انجام نمی‌شود و فراگیران همه به یک‌میزان و با یک سرعت نمی‌آموزند، این تفاوت‌ها را می‌توان بازتاب تنوع سبک‌های یادگیری انسان‌ها دانست (۳). تعیین اصول و چارچوب برای یادگیری می‌تواند نارسایی‌های زیادی را در نظام آموزشی رفع نماید و در افزایش بازدهی آموزش مؤثر باشد (۴). به همین دلیل است که نظریه‌پردازان حوزه علوم تربیتی توجه ویژه‌ای برای طبقه‌بندی روش‌ها و شیوه‌های مختلف یادگیری کرده‌اند. آن‌ها این طبقه‌بندی را بر اساس «سبک‌های یادگیری» انجام داده‌اند. دانش سبک یادگیری می‌تواند در سازمان‌دهی محیط آموزش، چگونگی تعامل مدرسان با دانشجویان و چگونگی یاددهی و یادگیری درون‌مایه استفاده شود (۱). آگاهی از رویکردهای مطالعه و عواملی که بر انتخاب نوع سبک یادگیری دانشجویان اثر می‌گذارد، برای طراحان برنامه آموزشی و مدرسان هم مهم است (۵). دسته‌بندی سبک‌های یادگیری در حالت کلی سه نوع شناختی، عاطفی و فیزیولوژی هستند (۶). سبک‌شناختی بر پایه‌ی روشی که شخص موضوع‌ها را درک می‌کند، داده را به خاطر می‌سپارد، درباره‌ی مطالب می‌اندیشد و مسائل را حل می‌کند تعریف می‌شود.

[۱] کارشناس ارشد علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی، کارشناس حوزه معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ارومیه، ایران

[۲] استادیار دانشگاه ارومیه، گروه علوم تربیتی، مدیریت آموزشی (نویسنده مسئول)

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

سبک عاطفی دربرگیرنده‌ی ویژگی‌های هیجانی یادگیرنده هستند و سبک یادگیری فیزیولوژی جنبه‌ی زیست‌شناختی داشته و دربرگیرنده‌ی واکنش‌های فرد به محیط فیزیکی مؤثر بر یادگیری وی هستند (۷).

سبک‌های یادگیری شناختی دسته‌بندی مختلفی دارند که یکی از آن‌ها سبک‌های یادگیری برمبنای الگوی یادگیری تجربی کلب می‌باشد (۱). در این الگو یادگیری یک چرخه‌ی چهار گامی پنداشته شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: تجربه عینی، مشاهده و تفکر درباره‌ی آن تجربه، گردآوری فرضیه یا نظریه درباره‌ی آن و آزمون فرضیه یا نظریه در موقعیت عملی است (۸). کلب با توجه به الگوی یادگیری یادشده دو بعد و چهار شیوه‌ی یادگیری را معرفی کرد، بعد اول شامل دو شیوه یادگیری مشاهده تأملی در مقابل آزمایشگری پویا و بعد دوم دو شیوه‌ی تجربه‌ی عینی در مقابل مفهوم‌سازی انتزاعی است. کلب با ترکیب این چهار شیوه یادگیری، چهار سبک یادگیری واگرا، هم گرا، جذب‌کننده و انطباق یافته را برای تعیین سبک یادگیری افراد تعیین می‌کنند (۸).

فراگیرندگانی که سبک یادگیری آنان همگرا است، بیشترین توانمندی را در کاربرد عملی اندیشه‌ها و نظریه‌ها دارند و این دسته افراد در استفاده از باورها و نظریه در حل مشکلات ویژه موفق هستند و در فرآیند مسئله گشایی و طراحی ساختارها عملکرد بهتری دارند. فراگیرندگانی که سبک یادگیری آن‌ها واگراست، می‌توانند با تجربه و نگاه ریزبین یاد بگیرند. توانائی آن‌ها نگاه کردن به موقعیت‌های مختلف از گوشه‌های گوناگون و سازمان‌دهی برخی ارتباط‌ها به‌عنوان یک کلیت معنی‌دار است. فراگیرندگانی که سبک یادگیری آن‌ها انطباق یافته است، با تجربه و انجام دادن می‌آموزند. بیشترین توانایی این گروه، کارکردن با اشیاء و کسب تجربه تازه در حین فعالیت است. فراگیرندگانی که سبک یادگیری آن‌ها جذب‌کننده باشند، با فکر و نگاه ژرف، بیشتر می‌آموزند. این افراد اطلاعات را به‌خوبی سازمان‌دهی کرده و برای درک موقعیت از مفاهیم انتزاعی استفاده می‌کنند (۹).

سابقه‌ی تحقیقات خارجی در این مورد برمی‌گردد به سال‌هایی که برای نخستین بار نظریه کلب صادر شد. اولین پژوهش‌ها نیز توسط وی و همکاران وی انجام شد. به‌طور مثال کلب (۱۹۸۱) بر روی دانشجویان فارغ‌التحصیل رشته‌های مختلف دریافت که دانشجویان رشته‌های بازرگانی سبک یادگیری تطابق دهنده، دانشجویان رشته‌های مهندسی سبک همگرا، دانشجویان رشته‌های تاریخ، زبان انگلیسی، علوم سیاسی، روانشناسی، اقتصاد و علوم اجتماعی اکثراً دارای سبک واگرا، و در برخی موارد دارای سبک جذب‌کننده بودند. دانشجویان رشته علوم طبیعی انتزاعی بوده و سبک جذب‌کننده و همگرا داشتند (۱۰).

کریر، ویلیامز و دالگارد دریافتند که دانش آموزان با سبک‌های یادگیری گوناگون ترجیحات گوناگونی را برای یادداشت‌برداری مطالب استفاده می‌کنند. دانش آموزان عینی‌تر (تطابق دهنده، واگرا) تمرین جدی برای یادداشت‌برداری انجام نمی‌دهند درحالی‌که دانش آموزان با سبک جذب‌کننده و همگرا اطلاعات را موبه‌مو از سخنرانی‌ها و بحث‌ها یادداشت‌برداری می‌کنند (۱۱).

ماگولدا دریافت که رشد شناختی زنان الگوی متفاوت کیفی را نسبت به مردان نشان نمی‌دهد. زنان و مردان در دیدگاهشان به دانش، روش‌های یادگیری و سبک‌های یادگیری، تفاوت نشان نمی‌دهند (۱۲).

کلی تحقیقاتی را در مورد رابطه بین سبک‌های یادگیری و یادگیری زبان انگلیسی انجام داد، تحقیقاتش نشان می‌دهد هنگامی‌که معلمان زبان انگلیسی از سبک‌های دانش آموزان در کلاس آگاهی داشته باشد، می‌توانند مطالب را در کلاس به نحوی ارائه دهند که عملکرد شناختی و یادگیری افراد بیشتر شده و از تأثیر تفاوت‌های فردی در یادگیری با مطالبی که اکثر دانش آموزان بتوانند از آن استفاده کنند، در کلاس درس کاسته شود (۱۳).

های‌هوس و دورسپیک در تحقیق خود بر روی دانشجویان رشته پرستاری دریافتند، با توجه به اینکه آن‌ها در رشته پرستاری مشغول به تحصیل بودند ولی بیشتر آن‌ها دارای سبک یادگیری واگرا بودند و نمره سبک‌شناختی آن‌ها نیز پایین بود. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده ۰/۱۲ بود که در هیچ‌یک از سطوح معنی‌دار نبود (۱۴).

در ایران نیز تحقیقاتی در این زمینه به عمل آمده است. احدی تحقیقی تحت عنوان سبک یادگیری دانشجویان پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام داد و یافته‌های زیر را به دست آورد: به‌طورکلی سبک یادگیری در دانشجویان پیراپزشکی واگرا جذب‌کننده بود. سبک یادگیری غالب در دانشجویان پرستاری همگرا و نیز بین تأهل و سبک یادگیری ارتباط معنی‌دار بین رشته تحصیلی و سبک یادگیری مشاهده گردید، اما ارتباط بین جنس و سبک و همچنین بین معدل دانشجو و سبک یادگیری معنی‌دار نشد (۱۵).

منصوری در تحقیقی به مقایسه سبک‌های یادگیری دانش آموزان ازلحاظ ویژگی‌های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی پرداخت و نتایج زیر را به دست آورد: بین سبک‌های یادگیری دانش آموزان ازلحاظ ویژگی‌های شخصیتی مختلف در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ رابطه وجود دارد. مشاهده تأملی، تفکر انتزاعی و آزمایش گری فعال با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و بین سبک‌های مختلف یادگیری دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی آن‌ها تفاوت معنی‌داری

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

وجود داشت. افراد با سبک یادگیری همگرا نیز از بالاترین سطح پیشرفت تحصیلی برخوردار بودند (۱۶). تحقیقات فوق چنین برمی‌آید که سبک‌های یادگیری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تحصیلی دانشجویان به شمار می‌رود (۵)، و بررسی ارتباط این متغیر با سایر متغیرها می‌تواند نتایج پرباری داشته باشد. همان‌طور که از تحقیقات اشاره‌شده برمی‌آید، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان‌دهنده محدود بودن تحقیقات در این زمینه است به‌نحوی‌که عمدتاً سبک‌های یادگیری را به‌صورت مجزا تعیین کرده‌اند و کمتر در ارتباط با متغیر تربیتی دیگر موردبررسی قرار داده‌اند. در تحقیقاتی هم که دومتغیره هستند، بیشتر بر جنبه‌های روانی و شخصیتی تأکید کرده است. ازآنجاکه دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی عهده‌دار وظیفه سنگین حفظ سلامت و مراقبت از بیماران در طول خدمت خویش می‌باشند (۵) لذا جهت کسب مهارت علمی و کارایی بیشتر، برای راه یافتن به مقاطع بالاتر تحصیلی با رتبه مناسب هم تلاش می‌کنند و از کوشش تحصیلی تنها انتظار اخذ مدرک را ندارند درواقع اگر در دوره تحصیل شیوه‌ی یادگیری مناسبی داشته باشند، به‌احتمال‌زیاد چنین پاداشی هم دریافت خواهند کرد. لذا با توجه به موارد فوق پژوهش حاضر قصد دارد این ارتباط را با متغیری که تاکنون تجربه نشده است، یعنی موفقیت در کنکور، موردبررسی قرار دهد.

مواد و روش کار

تحقیق حاضر از نوع توصیفی- همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل تعداد کل دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ۴۴۰ نفر بود و بر اساس محاسبات آماری که طبق فرمول کوکران انجام شد، تعداد حجم نمونه آماری ۲۰۶ نفر تعیین گردید.

روش نمونه‌گیری تحقیق تصادفی طبقه‌ای بود، بر اساس گزارش اداره کل آموزش دانشگاه جامعه آماری شامل ۴۴۰ نفر متشکل از ۲۶۹ نفر مقطع کارشناسی ارشد و ۱۷۱ نفر مقطع تخصص (دوطبقه برحسب مقطع تحصیلی) بود که نسبت هر مقطع را به ۴۴۰ پیدا کردیم و همان نسبت را در حجم نمونه ۲۰۶ نفری به دست آوردیم که نمونه ۱۲۶ نفره برای مقطع کارشناسی ارشد و ۸۰ نفره برای مقطع تخصص به دست آمد. با توجه به نسبت جامعه آماری به نمونه مربوطه از بین شماره‌های دانشجویی به انتخاب تصادفی نمونه موردنظر پرداختیم و پرسشنامه در بین دو گروه دانشجویان توزیع گردید.

ابزار مورداستفاده در این مطالعه پرسشنامه استاندارد کلب می‌باشد. این پرسشنامه توسط دیوید کلب در سال ۱۹۷۱ برای سنجش سبک‌های یادگیری طراحی و ساخته شد این آزمون از چهار بخش تشکیل‌شده و هر بخشی نوعی از توانایی را می‌سنجد. دارای ۱۲ سؤال است و آزمودنی با خواندن هر سؤال باید به هر بخشی که با نحوه‌ی یادگیری او بیشترین مطابقت را دارد نمره ۴ بدهد و به همین ترتیب نمره هر سؤال را با ۴ و ۳ و ۲ و ۱ مشخص کند. هر سؤال این آزمون به ترتیب نشان‌دهنده یکی از چهار شیوه یادگیری: تجربه‌ی عینی[1]، مشاهده‌ی تأملی[2]، مفهوم‌سازی انتزاعی [3]و آزمایشگری فعال [4]می‌باشد (۱۷).

در این پرسشنامه روش‌های مختلف یادگیری با هم برابرند. یعنی چگونگی یادگیری یادگیرنده را شرح می‌دهد نه این‌که بر ارزیابی توانایی یادگیرنده بپردازد. در این پرسشنامه پاسخ درست و اشتباهی وجود ندارد و همه گزینه‌ها به‌طور مساوی قابل‌پذیرش هستند. از جمع این چهار قسمت در دوازده سؤال پرسشنامه، چهار نمره به دست می‌آید که این چهار نمره نشانگر چهار شیوه‌ی یادگیری است و سبک یادگیری فرد را مشخص می‌سازد. از تفریق دوبه‌دوی این شیوه‌ها، یعنی مفهوم‌سازی انتزاعی از تجربه‌ی عینی و آزمایشگری فعال از مشاهده‌ی تأملی دو نمره به دست می‌آید. این دو نمره بر روی محور مختصات قرار می‌گیرند. یکی محور عمودی(AC- CE) مفهوم‌سازی انتزاعی در پایین– تجربه‌ی عینی در بالا و دیگری محور افقی ((AE-ROآزمایشگری فعال در سمت چپ و مشاهده‌ی تأملی در سمت راست) قرار می‌گیرد.

این دو محور مختصات چهار ربع را تشکیل می‌دهند و چهار سبک یادگیری با نام واگرا، همگرا، جذب‌کننده و انطباق یافته در یکی از ربع‌ها قرار می‌گیرد (۱۸).

روایی محتوایی این پرسشنامه توسط حسینی، لرگانی (۱۳۷۷)، یارمحمدی، واصلی (۱۳۷۸)، رحمانی، شمس (۱۳۷۹)، کرمی، مساواتی (۱۳۸۱) و عاصمیان (۱۳۸۴) مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی آزمون در پژوهش حاضر با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد که عبارت‌اند از: ضریب پایایی سبک تجربه عینی ۰/۶۴، مشاهده تأملی ۰/۶۷، مفهوم‌سازی انتزاعی ۰/۶۴ و آزمایشگری فعال ۰/۶۸.

برای تجزیه تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسان و رگرسیون خطی استفاده گردید.

یافته ها

در پژوهش حاضر بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی نمونه ۲۰۶ نفری از بین دانشجویان شاغل به تحصیل در مقاطع تکمیلی انتخاب شد. ۶۱/۲ درصد (۱۲۶ نفر) در مقطع

[1] Concrete experience (CE)
[2] Reflective Observation (RO)
[3] Abstract Conceptualization (AC)
[4] Active Experimentation(AE)

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

کارشناسی ارشد و بقیه (۸۰ نفر) که معادل ۳۸/۸ درصد کل افراد جامعه نمونه بودند در حال تحصیل برای اخذ تخصص بودند. ۶۰/۷ درصد افراد موردمطالعه (۱۲۵ نفر) زن و ۳۹/۳ درصد (۸۱ نفر) مرد بودند. متوسط سن افراد موردمطالعه ۳۰/۲۷ سال بود، ۱۲۴ نفر از پرسش‌شوندگان (۶۰/۲درصد) مجرد بوده و ۸۰ نفر (۳۸/۸درصد) متأهل بودند. ۵ نفر از جمعیت نمونه (۲/۴درصد) استعداد درخشان بوده و به‌صورت مستقیم وارد مقطع کارشناسی ارشد شده بودند. ۲ نفر برابر با ۱ درصد دارای رتبه تک‌رقمی، ۸۶ نفر یا ۴۱/۷ درصد آن‌ها دارای رتبه دورقمی، ۹۹ درصد برابر با ۴۸/۱ درصد دارای رتبه سه‌رقمی و ۱۴ نفر برابر با ۶/۸ درصد رتبه چهاررقمی را در کنکور دارا بوده‌اند. ۱۶۶ نفر از آزمودنی‌ها که برابر با ۸۰/۵ درصد افراد می‌باشد در دانشکده پزشکی ارومیه، ۱۲/۱ درصد برابر با ۲۵ نفر در دانشکده پرستاری ارومیه و ۱۵ نفر معادل ۷/۳ درصد در دانشکده واحد بین‌الملل مشغول به تحصیل می‌باشند. پس از محاسبه نمرات پرسشنامه‌ها ۳۷ نفر دارای سبک همگرا، ۴۰ نفر دارای سبک جذب‌کننده، ۵۴ نفر دارای سبک انطباق یافته و ۷۵ نفر دارای سبک واگرا هستند که به ترتیب ۱۸، ۱۹/۴، ۲۶/۲ و ۳۶/۴ درصد جمعیت نمونه را شامل می‌شوند.

با توجه به اینکه هر دو آزمون ذکرشده پارامتری می‌باشند لذا ابتدا آزمون نرمال بودن اجرا گردید. هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها، فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵درصد تست می‌کنیم.

جدول(۱): پایایی پرسشنامه سبک یادگیری از طریق آلفای کرونباخ

سبک‌های یادگیری کلب	ضریب پایایی
تجربه عینی CE	۰/۶۴
مشاهده تأملی RO	۰/۶۷
مفهوم‌سازی انتزاعی AC	۰/۶۴
آزمایشگری فعال AE	۰/۶۸

برای تجزیه تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسان و رگرسیون خطی استفاده گردید.

جدول (۲): آزمون نرمالیته کولموگروف – اسمیرونف

	آماره	درجه آزادی	معناداری
رتبه کنکور	۰/۴۰۳	۲۰۵	۰/۲۶۱
همگرا	۰/۳۹	۳۶	۰/۱۸
جذب‌کننده	۰/۳۸۸	۳۹	۰/۷۶
انطباق یابنده	۰/۳۶۳	۵۳	۰/۱۳
واگرا	۰/۳۴۷	۷۴	۰/۰۸۳

با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری تمامی سازه‌ها از ۰/۰۵ نتیجه می‌توان گرفت که در سطح ۹۵ درصد فرضیه صفر یا همان نرمال بودن داده‌ها رد نمی‌شود. قبل از پرداختن به چگونگی رابطه بین متغیرهای پژوهش از آزمون همبستگی پیرسان برای بررسی وجود یا عدم وجود همبستگی بین متغیرها (متغیر مستقل، سبک‌های یادگیری و متغیر وابسته، رتبه قبولی) استفاده می‌شود.

جدول (۳): ضرایب همبستگی پیرسان برای سبک‌های یادگیری و رتبه کنکور

		سبک واگرا	سبک همگرا	سبک جذب‌کننده	سبک انطباق یافته
رتبه کنکور	ضریب پیرسان	۰/۷۶	۰/۷۱	۰/۶۸	۰/۸۳
	معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
	تعداد	۷۵	۳۷	۴۰	۵۴

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

- ضریب همبستگی سبک یادگیری واگرا با رتبه کنکور ۰/۷۶ می‌باشد که با توجه به معناداری در سطح ۹۵ درصد اطمینان مثبت، قوی و معنادار می‌باشد.

- ضریب همبستگی سبک یادگیری همگرا با رتبه کنکور ۰/۷۱ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ رابطه قوی، مثبت و معنادار است.

- ضریب همبستگی بین سبک یادگیری جذب‌کننده با رتبه کنکور ۰/۶۸ محاسبه شده است که در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است چراکه سطح معناداری آن (۰/۰۰۱) از ۰/۰۵ کوچک‌تر است.

- ضریب همبستگی پیرسان سبک یادگیری انطباق یافته با رتبه کنکور ۰/۸۳ محاسبه شد که با توجه به معناداری ۰/۰۰۱ در سطح ۹۵ اطمینان یک رابطه معنادار است.

همان‌طور که مشاهده شد ضرایب پیرسان نشان از وجود رابطه مثبت قوی بین سبک‌های یادگیری با رتبه کنکور افراد دارد.

به‌منظور ارزیابی نوع رابطه موجود نیز از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد. ضریب تعیین موردنظر در این مدل ۰/۷۱۸ است که نشان می‌دهد نزدیک به ۷۲ درصد واریانس متغیرها توسط مدل تبیین شده است و مدل از قدرت کافی برای تشریح رابطه‌ها برخوردار است. خلاصه آماره‌های مدل در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول (۴): خلاصه آماره‌های مدل

R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۰/۷۱۸	۰/۷۲۱	۰/۷۰۱	۱/۱۱۷

جدول (۵): ضرایب رگرسیون خطی

	B	خطای استاندارد	Beta	t	معناداری
ثابت	۲/۷۵	۰/۰۹۸		۲۸/۱۰۹	۰/۰۰۱
همگرا	۰/۲۱	۰/۱۱	۰/۶۱	۲۳/۱۱	۰/۰۰۱
جذب‌کننده	۰/۳۹	۰/۰۱۶	۰/۱۰۳	۱۹/۷۶	۰/۰۰۱
انطباق یابنده	۰/۳۵	۰/۰۰۱۲	۰/۲۱۷	۲۱/۵۵	۰/۰۰۱
واگرا	۰/۴۲	۰/۱۴	۰/۰۶	۲۲/۳۸	۰/۰۰۱

با توجه به اینکه سطح معناداری به‌دست‌آمده از ۰/۰۵ کمتر است می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در سطح ۹۵ درصد اطمینان ارتباط معناداری بین سبک‌های یادگیری و رتبه کنکور وجود دارد.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد تمامی سبک‌های یادگیری دارای رابطه مثبت و معنادار بر روی رتبه کنکور هستند که دراین‌بین بیشترین رابطه را سبک همگرا و کمترین رابطه را سبک واگرا دارا می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اساسی در این تحقیق ارتباط معنادار میان سبک‌های یادگیری و موفقیت در کنکورهای مقطع تحصیلات تکمیلی است.

میان سبک یادگیری واگرا و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ارتباط معناداری وجود دارد: این سبک یادگیری، شیوه‌های تجربی عینی و مشاهده‌ی تأملی را درهم می‌آمیزد. افرادی که دارای این سبک یادگیری هستند، در دیدن موقعیت‌های عینی از دیدگاه‌های مختلف، بیشترین توانایی را دارند. ضریب همبستگی سبک یادگیری واگرا با رتبه کنکور ۰/۷۶ می‌باشد که در سطح ۹۵ درصد اطمینان مثبت، قوی و معنادار می‌باشد. همین‌طور نتیجه‌ی آزمون رگرسیون خطی نیز همین ارتباط را تأیید می‌کند. همان‌طور که در بخش پیشینه‌ی پژوهشی مشاهده شد، هیچ تحقیقی عیناً رابطه‌ی بین سبک‌های یادگیری و موفقیت در کنکور را بررسی نکرده است، اما اگر به‌صورت ماهوی نگاه کنیم، می‌توان گفت نتیجه فرضیه با نتایج احدی و منصوری هم خواناست (۱۶،۱۵).

میان سبک یادگیری همگرا و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ارتباط معناداری وجود دارد: در این سبک یادگیری، شیوه‌های تفکر انتزاعی و آزمایشگری فعال، با هم ترکیب می‌گردند، افراد دارای این سبک یادگیری، بیشترین توانایی

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

را بر کاربرد عملی اندیشه‌ها و نظریه‌ها دارند. این افراد می‌توانند مسائل را حل کنند و بر اساس راه‌حل‌هایی که برای مسائل پیدا می‌کنند، تصمیم‌گیری نمایند. آزمون همبستگی پیرسان نشان داد که رابطه بین سبک یادگیری همگرا با رتبه کنکور ۰/۷۱ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ یک رابطه قوی، مثبت و معنادار است. این نتیجه را آزمون رگرسیون تثبیت و تأیید کرده است. نتیجه این فرضیه با نتایج مطالعات منصوری، کلب و کریر، ویلیامز و دالگارد هم‌پوشانی دارد (۱۰،۱۱،۱۶).

میان سبک یادگیری جذب‌کننده و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ارتباط معناداری وجود دارد: این سبک یادگیری، شیوه‌های یادگیری تفکر انتزاعی و مشاهده‌ی تأملی را با هم می‌آمیزد. افرادی که دارای این سبک یادگیری هستند، در درک مقدار زیادی از اطلاعات و ترکیب آن‌ها به‌صورت منطقی، بیشترین توانایی را دارند. این افراد به مردم کمتر توجه می‌کنند و بیشتر به اندیشه‌ها و مفاهیم انتزاعی علاقه‌مند هستند. آزمون همبستگی پیرسان که برای تشخیص رابطه‌ی بین این سبک و موفقیت در کنکور انجام شد نشان داد که بین سبک یادگیری جذب‌کننده با رتبه کنکور ۰/۶۸ محاسبه شده است که در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است چراکه سطح معناداری آن از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. همین‌طور آزمون رگرسیون این رابطه را تأیید کرده است. نتیجه این فرضیه با نتایج کلب و ولف تا حدودی هم‌جهت و هم‌خوان است (۱۹،۱۰).

میان سبک یادگیری انطباق یافته و موفقیت در کنکور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه ارتباط معناداری وجود دارد:

در این سبک یادگیری، شیوه‌های تجربی عینی و آزمایشگری فعال با هم ترکیب می‌شوند. افرادی که دارای این سبک یادگیری هستند، بیشترین توانایی را در یادگیری تجارب دسته اول دارند ضریب همبستگی پیرسان سبک یادگیری انطباق یافته با رتبه کنکور ۰/۸۳ که با توجه به معناداری ۰/۰۰۱ که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است یک رابطه معنادار است. این نتیجه را آزمون رگرسیون تثبیت و تأیید کرده است. در میان تحقیقات پیشین هیچ پژوهشی که بین سبک انطباق یافته و هرگونه پیشرفت یا موفقیت تحصیلی ارتباطی تأیید کرده باشد، دیده نشد.

پیشنهادات کاربردی: با توجه به مهم‌ترین یافته این تحقیق که همه سبک‌های یادگیری ارتباط معنی‌داری با موفقیت در کنکور داشتند، ولی سبک همگرا ارتباط بیشتری داشت، توصیه می‌شود:

- بر اساس فرضیه اول: محیطی فراهم شود تا دانشجویان بتوانند از قدرت تخیل و اندیشه خود در کسب دانش و مهارت‌های حرفه‌ای بیش‌تر و بهتر بهره‌مند گردند.

- بر اساس فرضیه دوم: دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل دارند تلاش کنند از مزیت‌های این سبک که قابلیت ارتباط با آن را در شخصیت خود می‌بینند، استفاده و یادگیری خود را تقویت کنند.

همچنین به اساتید پیشنهاد می‌شود سبک تدریس سازگاری جهت موفقیت در کنکور دانشجویان داشته باشند و فرآیند یاددهی – یادگیری را با تمرکز بر نوع سبک یادگیری غالب در کلاس درس طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا نمایند.

- بر اساس فرضیه سوم و چهارم: پیشنهاد می‌شود شیوه‌هایی نظیر یادگیری مبتنی بر حل مسئله، بحث گروهی، بارش افکار، ایفای نقش و شبیه‌سازی، ارائه مورد جدید در محیط آموزش تئوری، بالینی مورد تأکید بیشتر اساتید قرار گیرد.

پیشنهادات پژوهشی

-اکثر تحقیقات قبلی به بررسی رابطه‌ی میان سبک‌های یادگیری و خصایص شخصی پرداخته‌اند.

- پیشنهاد می‌شود رابطه این متغیر با پیشرفت تحصیلی دانشجو، موفقیت شغلی، ارتقا سطح تعلیمی و سایر مفاهیم علوم تربیتی بررسی شود.

- توصیه می‌شود سازگاری سبک یادگیری دانشجویان و سبک تدریس اساتید موردمطالعه قرار گیرد.

- پیشنهاد می‌شود شیوه‌هایی نظیر یادگیری مبتنی بر حل مسئله، بحث گروهی، بارش افکار، ایفای نقش و شبیه‌سازی، ارائه مورد جدید در محیط آموزش تئوری، بالینی مورد تأکید بیشتر اساتید قرار گیرد.

-محیطی فراهم شود تا دانشجویان بتوانند از قدرت تخیل و اندیشه خود در کسب دانش و مهارت‌های حرفه‌ای بیش‌تر و بهتر بهره‌مند گردند.

- پیشنهاد می‌شود رابطه این متغیر با پیشرفت تحصیلی، موفقیت شغلی، ارتقا سطح تعلیمی و سایر مفاهیم علوم تربیتی بررسی شود.

سبک یادگیری دانشجویان رتبه‌های برتر کنکور پذیرفته‌شده در دانشگاه‌های برتر موردبررسی و مقایسه قرار گیرد.

محدودیت تحقیق: در هر تحقیقی به‌ویژه تحقیقاتی که مربوط به مسائل انسانی می‌باشند، محدودیت‌های زیادی وجود دارد که گاهی ممکن است محقق را از مسیر حرکت خود جهت رسیدن به اهداف تحقیق دور سازد و یا حتی به نتیجه دور از انتظار برساند. تحقیق حاضر نیز به‌ویژه به دلیل اجرای آن در بین دانشجویان که شرایط و ویژگی‌های خاصی دارد از این قاعده مستثنا نیست.

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

تحقیق می‌بایست در چند دانشگاه علوم پزشکی انجام می‌شد که به دلیل دوری مسافت و محدودیت‌های شغلی امکان آن محقق نشد.

عدم همکاری بعضی از آزمودنی‌ها، متأسفانه برخی از پاسخ‌دهنده‌ها که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند همکاری‌های لازم جهت پر کردن پرسشنامه را انجام نمی‌دادند.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از زحمات بی‌دریغ استاد گران‌قدر و فرهیخته جناب آقای دکتر علیرضا قلعه‌ای، مسئولین دانشگاه آزاد، همکاران محترم دانشگاه علوم پزشکی ارومیه و دانشجویان مقاطع تکمیلی دانشگاه که مرا در انجام این پژوهش همکاری، هدایت و راهنمایی کردند صمیمانه تشکر نمایم.

References:

1. Tahmasebi S, Pazargadi M. Learning styles and Their, Application in nursing. Iran J Educ Strategies 2010; 3(2); 73-76. (Persian).
2. Kolb D. A. Experiential learning: Experience as the source of learningand development. New Jersey: prentice Hall, Inc; 1984.
3. Parsa M. Psychology of learning based on theories. 3rd ed. Tehran: Sokhan Press; 2001. p 20-5. (Persian)
4. Shariatmadari A. Educational Psycology. Tehran: Amirkabir Publication; 1990. (Persian).
5. Karimi H, Dabbaghi F, Vehvilainen Julkunen K. Learning Style in Theoretical Courses: Nursing Students' perceptions and Experiences. Iran J Med Edu 2009; 9:41-54. (Persian)
6. Hsu CHC. Learning Styles of Hospitality students: Nature or Nurture? Int J Hosp Manag 1999; 18(1):17-30.
7. Dunn R. How to Implement and Supervise a Learning Style Program. 1st ed. Alexandria: Association for Supervision & Curriculum Development; 1996.
8. Sarchami R, Hossaini SM. Relationship of learning styles with education progress of nursing students in Qazvin. J Qazvin Univ Med Sci 2004; 30:64-7.
9. Sabouri A, Meyari A, Gharib M, Biglarkhani M. Comparison of Learning Styles of Medical and Investigating its Relationship With Their Academic Improvement. J Educ Develop Center 2009; 6(2)110-18. (Persian)
10. Kolb DA. Learning styles and disciplinary differences. In Chickering A. The modern American college. San Fransisco, California: Jossey Bass; 1981.
11. Carriers CA, Williams MP, Dalgaard BR. College student perceptions of note taking and their relationship to selected Icarno.1 characteristics and course achievement. Res Higher Educ 1988; 28(3): 223-39.
12. Magolda MBB. Gender differences in cognitive Development: An analysis of cognitive complexity and learning styles. J College Student Develop 3a 1989; 213-20
13. Kolb D. The theory of experiential learning and ESL. Internet TESL J 1997;3(9).
14. Highhouse S, Doverspike D. The validity of the Learning Style Inventory 1985 as a predictor of cognitive style and occupational preference. Educ Psychol Measur 1987;47(3):749–53.
15. Ahadi F, Abedsaidi J, Arshadi F, Ghorbani R, Learning style of nursing and allied health students in semnan university of medical sciences. J Semnan Univ Med Sci 2009; 11(2).
16. Mansouri P, Soltani F, Rahemi S, Nasab MM, Ayatollahi AR, Nekooeian AA. Nursing and midwifery students'approaches to study and learning. J Adv Nurs 2006; 54(3):351-8.
17. Kalbasi S, Naseri S, Sharifzadeh Gh, Poursafar A. Medical Students' Learning Styles in Birjand University of Medical Sciences. Strides Develop Med Educ 2008; 5(1): 10-6. (Persian)

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

18. Kolb AY, Kolb DA. Learning style inventory, version 3.1: Technical Specifications. Boston, MA: Hay Resources direct; 2005.

19. Furnham A. Personality and learning style: A study of three instruments. J Personal Indiv Diff 1992;13(4):429–38.

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]

Original Article

THE RELATIONSHIP BETWEEN LAERNING STYLES AND SUCCESS IN THE ENTRANCE EXAM OF URMIA MEDICAL SCIENCE UNIVERSITY STUDENTS

KHalilzadeh F [1], Ghaleei A*[2]

Received: 22 Feb, 2015; Accepted: 5 May, 2015

Abstract

Background & Aims: Learning styles can play an important role in the students' education. The present study aimed to examine the impact of learning styles on the success achieved by postgraduate students at the entrance exam of Urmia University of Medical Sciences. The study's main hypothesis was the existence of a significant relationship between learning styles and success of graduate students in the entrance exam.

Materials & Methods: This cross correlation study was conducted on 440 people. By using stratified random sampling 206 ones were included in the study. The research method is "cross correlation", and Kolb Inventory Questionnaire was used as research tool. In order to analyze the data, regression and Pearson correlation were applied.

Results: According to the results, the significance level was less than 0.05. Consequently, it is revealed that there is a significant relationship between learning styles and the entrance exam scores.

Conclusion: All learning styles have significantly positive impact on the entrance exam scores. In addition, converging learning style had the greatest impact and diverging learning style had the least effect. In conclusion, it is strongly recommended to help students who seek to pursue their postgraduate studies by choosing an appropriate learning style.

Keywords: Learning style, Medical sciences students, Success at entrance exam, Kolb theory.

Address: Islamic Azad University, Urmia, Iran,
Tel: (+98) 9143892479
Email: faribakhalilzade@gmail.com

[1] *Master Student in Education Planning, Student cultural expert,University of Medical Sciences, Islamic Azad University, Urmia Branch, Urmia, Iran*
[2] *Assistant Professor in Urmia University (Corresponding Author)*

[Downloaded from unmf.umsu.ac.ir on 2024-10-12]